فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و سه. تابستان ۱۳۹۸، صص۵۲-۳۹ Vol 3. No 33. 2019, p 39-52
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

تامین امنیت زنان در برابر خشونت در حقوق کیفری ایران با نگاهی به لایحه تامین امنیت زنان

محمدعلی حاجی ده آبادی[۱]. سمیرا شیروانی[۲]
۱. دانشیار گروه جزا و جرم شناسی دانشگاه قم. ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه قم. ایران

چکیده
خشونت علیه زنان به معنای هر رفتار خشن وابسته به جنسیتی است که موجب آسیب‌شده یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی یا روانی و یا رنج زنان همراه گردد، همچنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیارو آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد. خشونت خانگی علیه زنان علاوه بر جنبه های حقوقی و اخلاقی، عواقب جسمی، روانی و اجتماعی متعددی دارد که می‌تواند سلامت زنان، خانواده و جامعه را به خطر اندازد. مطالعات موجود در خصوص میزان شیوع خشونت خانگی (اعم از جسمی، کلامی، روحی، آزار جنسی و ترکیبی از انواع آنها) با مطالعه موضوع در مقاطع مختلف زندگی زنان و در نظر گرفتن موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوت، از تنوع بسیار زیاد برخوردار است. تمامی این مطالعات از سطوح بسیار بالای اعمال خشونت خانگی در کشورهای در حال توسعه خبر می‌دهند. کشور ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و به جهت برخی پیش زمینه‌ها از گذشتگان دور، متاسفانه همواره زن را به عنوان جنس دوم دانسته، و این دانسته ها منجر به بروز فجایعی دردناک و اسفناک در حق زنان گردیده است. با این شرایط سوال این مقاله آن است که نگاه قانون‌گذار ایرانی به مقوله تامین امنیت زنان در برابر خشونت چیست؟ روش تحقیق در این مقاله توصیفی– تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد و یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار ایرانی با طرح لایحه تامین امنیت زنان به دنبال از بین بردن خشونت علیه زنان می‌باشد و مواد قنونی مجازات اسلامی نیز در برابر خشونت علیه زنان در نظر گرفته شده است ولی کافی نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خشونت، امنیت، لایحه تامین امنیت، زنان،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

از اوایل قرن بیستم میلادی در اروپا و به تبع آن در سایر نقاط جهان بحث حقوق زنان به طور گسترده‌ای شایع و توجه به وضع زنان و بهبود شرایط آنها با توجه به نقش بسیار مهمی که در سرنوشت بشریت دارند در اولویت برنامه‌های بسیاری از کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت، به طوری که این حرکت موجب تغییرات و الحاقاتی در قانون اساسی کشورهای بسیاری گردید. (الهیان، ۱۳۹۰: ۱)

سازمان‌های بین المللی حقوقی با طرح و تصویب اعلامیه‌های گوناگون سعی در ارائه الگوهای یکسان به جوامع بشری در راستای تساوی حقوق زن و مرد و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان شدند، از جمله مهمترین کنوانسیون‌های مطرح شده در این زمینه عبارتند از:

ـ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸[1]

ـ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۴[2]

ـ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۴[3]

ـ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۸[4]

با این مقدمه یکی از مسائل مهم مطرح شده در مورد زنان، مسئله خشونت می‌باشد؛ مسئله خشونت علیه زنان قبل از آنکه یک مسئله خانگی، محلی، شهری، کشوری یا منطقه‌ای باشد، یک مسئله جهانی است. جهانی شدن[5] معضلات و مشکلات، حداقل دستاورد جهانی‌گری است. قدرت‌هایی که بر طبل جهانگیری می‌کوبند هرگز و هرگز درپی آن نیستند که راه ثروت اقتصادی و راز پیشرفت علمی خود را گسترش دهند و رفاه، آسایش و بهره‌مندی مردم را جهانی کنند. اما برای جهانی کردن مشکلات و معضلات از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌نمایند تا در هرچه خود دست و پا می‌زنند بقیه مردم جهان هم دست و پا بزنند، و به همین جهت موضوع خشونت، خواه در مفهوم عام و انسانی آن و خواه در مفهوم خاص آن یعنی خشونت علیه زنان، از این تحمیل جهانی جدا نیست. (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۶)

کشور ما نیز به دلایل متنوعی همچون پیکره مذهبی- سنتی مردم و نظام فقاهتی حکومت، دارای ساز و کارهای خاص این نظام می‌باشد که طبعاً از انتقاد مبرا نیست یکی از موارد مهم و بحث برانگیز در جامعه، بحث زنان و خشونت علیه آنان به طرق مختلف می‌باشد. خشونت علیه زنان از جمله مسائل گریبان‌گیر همه جوامع از گذشته های دور بلکه همزمان با حضور بشر بر روی کره خاکی بوده و هست. توجه به این مسئله مهم و اقدام لازم برای کاهش و کنترل آن و همت برای پیشگیری از بروز آن، وظیفه هر حکومتی به ویژه جمهوری اسلامی ایران است. خوشبختانه این مهم بارها و بارها در محافل حقوقی و نهادهای سیاستگذار

1- Universal Declaration of Human Rights, 1948
2- International Covenant on Civil and Political Rights, 1964
3- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1964
4- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, 1978
5- Globalization

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

امور زنان مطرح بوده و هست و اقداماتی در پیرامون آن انجام گرفته است از جمله بندهایی از قانون اساسی، قانون مدنی لایحه حمایت از خانواده، اصلاح قانون کار و. . . (آیت اللهی، ۱۳۹۶: ۱۰)

البته همه این تلاش‌ها نسبت به اهمیت موضوع یعنی امنیت زنان و حفظ و حراست از منزلت زن مسلمان و خانواده بسیار ناچیز بوده و نیازمند گام هایی بس اساسی تر و جدی‌تر است. «لایحه جامع تامین امنیت زنان در برابر خشونت» توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری تهیه شده است تا در مجلس به تصویب برسد. این لایحه از آنجا که ذی‌نفعانی به گستردگی کل ملت ایران دارد، از جوانب مختلف قابل بررسی و دقت فراوان است. علاوه بر نگاه حقوقی که قطعاً وظیفه قوه قضائیه و کارشناسی‌های تخصصی قضایی کمیسیون بررسی لوایح این قوه می‌باشد، از منظر تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی نیز قابل تامل و بررسی کارشناسی است.

۲. ادبیات تحقیق

خشونت علیه زنان یکی از معضلات اجتماعی کلیه کشورهای دنیا به حساب می‌آید. در واقع پدیده‌ای است کهن و جهانی که تمام کشورها متناسب با ویژگی‌های خود، می‌بایست زمینه‌های آن را بشناسند و با بسیج تمام امکانات به کنترل و مهار آن بپردازند. زمینه‌های خشونت علیه زنان تک علّی نمی‌باشند و به همین دلیل طیف گسترده‌ای از تبیین‌های نظری را دربردارند. این گستردگی در بنیان نظری وبالطبع نحوه برخورد با مسئله، در روش و یافته‌ها گوناگونی بوجود آورده که طیف وسیعی از رویکردها را در تبیین خشونت علیه زنان پدید آورده است. همچنین تفاوت در کاربست‌ها، ابزارهای اندازه‌گیری، روش‌ها و موقعیت‌های پژوهشی مقایسه یافته‌ها را دشوار می‌سازد. بنابراین کاربرد نتایج متناقض پژوهش‌ها، انتشار، تفسیر، ارزشیابی و شناخت نقاط آن‌ها مستلزم راه‌حلی است که مبتنی بر بازنگری و تجزیه و تحلیل درست پیشینه پژوهشی، به کارگیری شواهد متضاد و استفاده از یک روش ترکیبی است. راه‌حل مبتنی بر شواهد متضاد از لحاظ پیامدهای گوناگون جهت پیشرفت بیشتر در یک حوزه برای کاربرد عملی ضروری است. (هومن، ۱۳۸۷: ۱۰).

از این منظر مطالعات متعددی پیرامون خشونت علیه زنان انجام گرفته است که علاوه بر نتایج گوناگون، نحوه برخورد با مسئله در آن‌ها مختلف است. این تنوع باعث گردیده در جمع‌بندی عوامل موثر و پدیدآورنده این پدیده و بازخوردها و نتایج حاصل شده، نتوانیم به یک نتیجه مشترک برسیم. در انجام این فراتحلیل سعی بر ضرورت بازنگری در مبانی نظری برخورد با مسئله خشونت علیه زنان است تا بر اساس این نتایج بتوان وفاق نظری در تبیین این پدیده حاصل آورد. بنابراین در این مقاله تلاش بر این است تا به بررسی تامین امنیت زنان در برابر خشونت در حقوق کیفری ایران با نگاهی به لایحه تامین امنیت زنان بپردازیم. در این بخش ابتدا به بررسی تعاریف اصلی پرداخته و سپس مبانی نظری خشونت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱-۲- تعریف مفاهیم

۱-۱-۲- خشونت[1]

واژه خشونت در منابع لغوی فارسی، در معنای درشتی، زبری و در مقابل نرمی آمده است و از مصادیق تندخویی، خشم و غضب، درشتی کردن و. . . نام برده شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۸۳۲۹)

واژه خشونت در اصلاح مفهوم گسترده دارد و به همین دلیل نیز تعاریف متعددی از آن شده است ولی در خصوص چیستی آن تعریف دقیق و مورد وفاقی وجود ندارد، زیرا هر کس از پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خود به خشونت می نگرد و بر همین اساس گونه و عرصه خاصی از خشونت را بیان می دارد. (پیشوایی، ۱۳۹۰: ۱۱)

برخی مؤلفین خشونت را به رفتارهای محدود می کنند که یا قاهرانه انجام گرفته باشد یا به نحو چشمگیری چنان با رقابت صورت گرفته باشد که منجر به زیان طرف مقابل شده باشد. بیشتر روانشناسان تجربی خشونت را تنها در این مفهوم منفی به کار می‌برند. (تاوریس، ۱۳۸۴: ۱۱)

از نظر علمی باید گفت که خشونت یک کشش یا گرایش در فرد است که به صورت زدن، کشتن و ویران کردن خود را نشان می‌دهد. ظاهراً این امر نشان‌دهنده یک انقلاب در درون است و حالی از احساساتی که فرد از بازگویی آن وحشت دارد. رنجی در درون او شعله می کشد که قادر به رفع آن نیست و ناگزیر تلافی آن را در دیگران درمی‌آورد. اگر چه این زجر متوجه خودش نیز می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۶: ۸۹)

۲-۱-۲- خشونت علیه زنان[2]

خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که برای توصیف کلی کارهای خشونت‌آمیز علیه زنان به کار می‌رود. همانند جرم ناشی از تنفر[3] این شکل از خشونت علیه گروه خاصی از مردم (زنان) اِعمال می‌شود و جنسیت قربانی پایه اصلی خشونت است (آقابیگولی و آقاخانی، ۱۳۸۶ :۱۵)

طبق اصول حقوقی سازمان‌ملل متحد خشونت علیه زن اینگونه تعریف شده است: اعمال هرگونه خشونت که نتیجه آن آسیب جنسی و روانی که توأم با درد و رنج باشد؛ اعمّ از تهدید یا ارتکاب عمل از جنسی گرفته تا سلب آزادی صرف‌نظر از آن که در مَلاءِ عام بوده باشد و یا در محیط خانه. (شکربیگی و مستمع، ۱۳۹۳: ۱۵۷)

نیز در ماده اول قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره رفع خشونت علیه زنان می‌خوانیم:

اصطلاح خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت‌آمیزی می‌باشد که مبتنی براختلاف جنسیت بوده و منجر به صدمه یا رنج بدنی، جسمی، روحی برای زنان گردد و یا احتمال منجر شدن به این آسیب‌ها و

1- Violence
2- Violence Against Women
3- Hate Crime

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

رنج‌ها وجود داشته باشد. از جمله تهدید به این گونه اعمال، زورگویی، محروم‌سازی خود سرانه آزادی، خواه در محیط عمومی روی بدهد خواه در زندگی خصوصی (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۴)

۳-۱-۲- امنیت[1]

واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در تعریف امنیت می‌توان گفت:
در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود. (علی بابایی، ۱۳۹۰: ۳۸)

امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است. واژه امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد. بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارآیی پیدا کند.

۲-۲- نظریه‌های مربوط به خشونت

در مورد منشاء رفتارهای خشونت‌آمیز انسان تاکنون تبیین جامع و یگانه‌ای ارائه نشده است. بحث در این مورد که ماهیت نوع بشر پرخاشجو و بی رحم، یا نجیب و پاک است، از دیر باز موضوع بحث بسیاری از فلاسفه بوده است. ژان ژاک روسو[2]فیلسوف فرانسوی قرن هیجدهم شرارت و خباثت بشر را امری غیر فطری و محصول جامعه تلقی می‌کرد. به تعبیر وی، انسان شریف و پاک، گام به دنیا می‌نهد و این جامعه است که شرارت و کینه توزی را به وی می‌آموزد و او را خشن و بی‌رحم بار می‌آورد. اما برخلاف روسو، توماس هابز[3]فیلسوف انگلیسی قرن شانزدهم و هفدهم موانع و اجباری‌های اجتماعی را برای مهار و بازداشتن بشر از وحشی‌گری و بربریت امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۶)

در حوزه علوم انسانی و اجتماعی سه رهیافت عام در مورد تبیین خشونت و پرخاشگری وجود دارد. این سه رهیافت را می‌توان رهیافت‌های زیست شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی نام نهاد. در ادامه مقاله به ترتیب هر یک از این رهیافت‌ها مطرح می‌شوند.

1- Security
2- Jean-Jacques Rousseau
3- Hobbes

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱. رهیافت زیست شناختی:[1]کهن‌ترین و شناخته شده‌ترین تبیین در مورد پرخاشگری و خشونت انسان معطوف به این نگرش است که انسان به دلیل طبیعت زیستی‌اش تا حدودی برای ارتکاب خشونت «برنامه‌ریزی» شده است. به رغم پیروان این دیدگاه بدبینانه، انسان مانند بسیاری دیگر از انواع حیوانی دارای سائقی فطری برای دست یازیدن به خشونت و پرخاشگری است که تنها هراس از تنبیه آن را مهار می‌سازد. (هاشم پور، ۱۳۷۷: ۲۹)

ژ**۲. تئوری ناکامی- پرخاشگری:** در روانشناسی، صرف نظر از اشاره به برخی عوامل مانند کم هوشی، نابسامانی کروموزومی، اختلال مغزی و عصبی و رفتار غریزی، که برای تبیین خشونت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. می‌توان به تئوری ناکامی- پرخاشگری اشاره کرد. این تئوری که از معروف ترین و رایج‌ترین نظریه‌ها درباره خشونت و پرخاشگری است، ناکامی را به عنوان عامل به وجود آورنده تمایلات پرخاشگرایانه در نظر می‌گیرد. تئوری ناکامی- پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به طور عمده ملهم از یک سائق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. تئوری ناکامی- پرخاشگری از یک سو، ناکامی را موجد انگیزه‌های پرخاشجویانه و پرخاشگرایانه می‌داند، و از دیگر سو ریشه هرگونه پرخاشگری را در عوامل پیشین موجد نوعی پرخاشگری منجر می‌گردد، و پرخاشگری نیز به نوبه خود نتیجه و حاصل نوعی ناکامی است. تئوری ناکامی- پرخاشگری در آغاز (۱۹۳۹) از جانب روان‌شناسانی مانند دولارد[2]، دوب[3]، میلر[4]و سیرز[5]مطرح گردید. (برکووتیز، ۱۳۸۳: ۶۸)

۳. نظریه‌های جامعه‌شناختی: پس از عدم کامیابی نسبی تئوری‌های رفتار غریزی و ناکامی- پرخاشگری در تبیین خشونت، محور توجه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی معطوف به رهیافتی گردید که در آغاز در قالب تئوری موسوم به «یادگیری اجتماعی»[6] از جانب آلبرت باندورا[7]مطرح گردید. مبنای این تئوری بر این اساس استوار است که خشونت رفتار و کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای اجتماعی، تولید، بازتولید، و فرا گرفته می‌شود. باندورا با نقد رفتارگرایی افراطی اسکینر بر این باور تأکید دارد که عوامل رفتاری، ادراکی، و محیطی در تعامل با یکدیگر شکل‌دهنده شخصیت افراد هستند. به عبارت دیگر، رفتار، عوامل فردی و نیروهای اجتماعی جملگی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. باندورا، بر خلاف اسکینر و سایر رفتارگرایان که تقریباً به طور کامل به یادگیری از طریق تجربه مستقیم توجه داشتند، تأکید ویژه‌ای بر نقش یادگیری مشاهده‌ای در آشنایی با رفتار می‌کند. در واقع،

1- Biological
2- Dvlard
3- DVB
4- Miller
5- Sears
6- Social Learning
7- Albert Bandura

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

متمایزترین جنبه نظریه باندورا این است که به باور وی بیشتر رفتارهای انسانی از طریق مشاهده یا الگوهای مثالی آموخته می‌شوند. (ارنفسون، ۱۳۸۲: ۴۲)

۳. یافته‌های تحقیق

ابعاد وسیع خشونت علیه زنان و تبعات آن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، سرآغاز شکل‌گیری تحولات فکری و جنبش‌های اجتماعی زنان برای رفع خشونت و تبعیض نسبت به زن شد.

نهادهای بین‌المللی، قاره‌ای و منطقه‌ای همچون سازمان ملل[1] و ارگان‌های وابسته به آن، سازمان‌های دفاع از حقوق بشر[2] و سازمان‌های غیردولتی نیز در چند دهه اخیر به این کارزار رو به گسترش پیوستند و بررسی ابعاد و اشکال خشونت و تبعیض علیه زنان، پیامدها و تاثیرات آن را بر سلامت و زندگی فردی و اجتماعی زنان و کودکان در دستور کار خود قرار دادند. نتیجه این روند، تشکیل صدها سازمان و نهاد کوچک و بزرگ در سطوح محلی یا منطقه‌ای و جهانی، آکادمیک و غیر آن، هزاران نشست، فراخوان و کنفرانس، تهیه و صدور بی‌شماری گزارش، اعلامیه، قطعنامه توصیه‌نامه، بوده است. با این چشم‌انداز که با اقدامات دولت‌ها و البته نهادهای مردمی و اجرای برنامه‌های مستمر و آینده‌نگر، خشونت و تبعیض علیه زنان در زندگی فردی و اجتماعی آنان مهار شود.

در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار جامعه بین‌المللی حقوق بشر رسماً خشونت علیه زنان حتی در زندگی خصوصی خانواده‌ها، را به عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت. در طول سال ۱۹۹۳ در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، حقوق زنان و دختران به عنوان جزء لاینفکِ حقوق بشر اعلام شد و خشونت جنسی و همه اشکال آزار و بهره‌کشی جسمی، جنسی و روانی ناشی از تبعیض، تعصب فرهنگی و قاچاق بین‌المللی زنان، مغایر با کرامت و حرمت انسان شناخته شد.

مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ در هشتاد و سومین جلسه عمومی دوره پنجاه و چهارم خود و بر اساس گزارش «کمیته سوم اجرائی» و با توافق نمایندگان ۷۹ کشور عضو، قطعنامه تعیین روز ۲۵ نوامبر به عنوان «روز جهانی حذف خشونت علیه زنان» را تصویب نمود. این قطعنامه بنا بر پیش‌نویسی که دو ماه پیش از آن توسط نماینده دومینیکن از سوی نمایندگان ۷۴ کشور به «کمیته سوم اجرایی» مجمع عمومی پیشنهاد شده بود، صادر شد. بر اساس مفاد پیش‌نویس مزبور که عنوان «روز جهانی حذف خشونت علیه زنان» را بر خود داشت، مجمع عمومی، تمامی سازمان‌ها و نهادهای بین المللی ذی‌ربط را به سازماندهی فعالیت‌هایی گسترده در طرح مسئله خشونت علیه زنان در آن روز دعوت می‌نماید. پیش‌نویس خاطرنشان می‌کند که اعمال خشونت‌های مزمن علیه زنان فرصت‌هایی را که آنان برای بدست آوردن برابری‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه دارند نابود می‌کند. این پیش‌نویس

1- United Nations
2- Human rights

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

همچنین از مجمع می‌خواهد تا بر مفهوم عبارت «خشونت علیه زنان» به صورت زیر تاکید مجدد نماید: «خشونت علیه زنان» به معنی قائل شدن هر گونه خشونت بر اساس جنسیت که نتیجه و یا پیامد احتمالی آن صدمه یا آزار فیزیکی، جنسی یا روانی زنان را در بر داشته باشد، صرف نظر از اینکه در محیط‌های عمومی و یا در زندگی خصوصی رخ دهد، اطلاق می‌شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید یا اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد (جوان مرد، ۱۳۹۰: ۸).

بنابراین دفاع از حقوق مادی و معنوی همه اقشار جامعه از وظایف اولیه حکومت ها و به خصوص حکومت اسلامی است. از جمله لوازم این دفاع وجود قوانین قضایی و حمایتگر از مظلوم و بازدارنده از جرم است. زنان به عنوان اصلی‌ترین قشر جامعه که نه تنها نیمی از پیکره اجتماع را می‌سازند، بلکه تولد و تربیت نیم دیگر را نیز بر عهده دارند، باید از هر جهت مورد حمایت و مراقبت قرار گیرند، چرا که هرگونه آسیب به جسم و روان و از این دو مهمترشان و منزلت آنان، آسیبی است که مستقیماً به خانواده و جامعه وارد می‌شود؛ از این روی بررسی قوانین موجود و تدوین قانونی که حمایت این قشر ارزشمند را تامین کند ضروری است.

۱-۳- لایحه تامین امنیت زنان و خشونت

لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت سالهاست که در رفت و آمد تایید است و تنظیم‌کنندگان لایحه، امید دارند تا با تصویب و قانون شدن آن گام‌های بلندی برای تامین امنیت زنان در برابر خشونت چه در خانه و چه در خارج از خانه بردارند. به منظور تجمیع، رفع خلاها و روزآمدسازی مرتبط با خشونت خانگی، تدوین لایحه‌ای با عنوان تامین امنیت زنان در برابر خشونت، در دستور کار قرار گرفت. این لایحه قرار بود در دو حوزه خشونت‌های اجتماعی علیه زنان و خشونت‌های خانگی با همکاری مرکز امور زنان و خانواده و مرکز پژوهش‌های مجلس تدوین شود که اسفند ماه سال ۱۳۹۰ پیش‌نویس آن در قالب ۵ فصل و ۹۳ ماده آماده شد که به کلیات و مفاهیم، جرایم و مجازات‌ها، آیین دادرسی، تشکیلات و تدابیر حمایتی و پیشگیرانه و سایر مقررات می‌پردازد.

در زمان حاضر قوانین و مواد قانونی متعددی در رابطه با خشونت علیه زنان وجود دارد که چند ماده قانونی در قانون مجازات اسلامی از جمله آنها است. مثل ماده ۶۱۹ این قانون که در خصوص بحث مزاحمت‌های خیابانی برای زن اشاراتی دارد و یا ماده۶۴۱ که بحث مزاحمت تلفنی را بیان می کند.

همچنین مواد قانونی مربوط به خشونت خانگی هم موجود است. مثل وقتی که حسن معاشرت زوجین در ماده ۱۱۰۲ به میان می‌آید و درباره خشونت علیه زن بحث می‌شود یا ماده ۱۱۳۰ که در خصوص سوءرفتار شوهر نسبت به زن به گونه‌ای که ازدوج فسخ می‌شود هم اشاراتی دارد. بنابراین می‌بینیم که از این دست مواد قانونی برای حمایت از زن در برابر خشونت در زمان حاضر وجود دارد اما چه شد که با وجود این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مواد قانونی، لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت تدوین شد و امیدواری‌ها برای تصویب آن وجود دارد؟

شاید یکی از علل مهم تدوین‌کنندگان لایحه یاد شده این باشد که هر چند مواد قانونی برای منع خشونت علیه زن داریم اما این مواد پراکنده است و خلاءهایی هم در این ارتباط داریم. بنابراین بهتر است قانونی جامع برای منع خشونت علیه این قشر و نیز جرم انگاری‌های جدید تدوین شود تا خلاء های قانونی را هم بتوان پرکرد. با این پیش زمینه در ادامه به بررسی خشونت علیه زنان و این لایحه خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱- لایحه تامین امنیت زنان و انواع خشونت

در ماده ۴ لایحه تامین امنیت زنان تاکید شده است، هر اقدامی که موجب صدمه شخصیت روان و مال زنان و از مصادیق خشونت است. در واقع در این لایحه خشونت جسمی روانی و عاطفی، اقتصادی، بهره‌کشی، تجاوز، تعرض، آزار و مزاحمت جنسی در کنار آداب و رسوم ناپسند و جرایم جنسی در زمره مسائلی قرار داده که می‌تواند موجب صدمه به زنان شود. پس در واقع دو نوع خشونت وجود دارد:

۱- ظلم و خشونتی که نسبت به زن در خانواده روا شده است.

۲- خشونتی که در جامعه بروز می کند.

مطابق اسناد بین المللی، خشونت علیه زنان ۳ دسته است، خشونت علیه زنان در خانواده، خشونت علیه زنان در جامعه، خشونتی که دولت‌ها علیه زنان اعمال می‌کنند و در درگیری مسلحانه رخ می‌دهد و خشونت علیه زنان پناهنده، آواره و خشونت در بازداشتگاه‌ها و زندان ها را نیز شامل می‌شود که مطابق این تعریف زنان در هر جا که باشند احتمال اینکه در معرض خشونت یا قربانی آن باشند وجود دارد. لذا هر چند تعریف خشونت در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها از نیز شامل می‌شود که طبق این تعریف زنان در هر جا که باشند احتمال اینکه در معرض خشونت یا قربانی شدن باشند وجود دارد. لذا هر چند تعریف خشونت در لایحه به حمایت و شناسایی حقوق آنان کمک خواهد کرد اما در مقایسه با تعریف خشونت که توسط اعلامیه رفع خشونت علیه زنان اعلام شده است، تعریف ناقص‌تری است که در واقع خشونتی که توسط دولت اعمال می‌شود را مورد توجه قرار نداده است چرا که دولت در عمل نقش عمده‌ای در اعمال خشونت علیه زنان دارد (پاغوش، ۱۳۹۲: ۴۰).

۲-۳- وضعیت حقوقی تامین امنیت زنان در برابر خشونت در ایران

طبق بند «د» ماده ۱۳۰ فصل یازده برنامه توسعه چهارم (۱۳۸۳) قوه قضائیه موظف بوده است لایحه حمایت از بزه‌دیدگان خشونت اجتماعی را تهیه و به تصویب برساند. در توجیه این لایحه آمده است: هنگام وقوع بزه و جرم، فرد، افراد یا یک ساختار اجتماعی مورد تظلم واقع شده و نهادهای دولتی و حاکمیتی باید افزون بر تحلیل علمی بزه‌کاری و مجرمیت، مجرم یا بزه‌کار را شناسایی کرده و با وی برخورد قانونی کنند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اقدام مهم دیگر در این خصوص حمایت از بزه‌دیدگان است. بزه‌دیده در شرایط مختلفی قرار می‌گیرد: در یک حالت، تا شناسایی مجرم و بزه‌کاری، هیچ‌گونه حمایتی از او صورت نمی‌گیرد و پیامد این بزهکاری می‌تواند آسیب‌های جدی اجتماعی و اقتصادی به او وارد سازد. در حالت دیگر، در صورت شناسایی مجرم یا بزه‌کار، رسیدگی و تحلیل پرونده مدت‌ها طول کشیده و بزه‌دیده همچنان با مشکلات درگیر می‌شود و در حالت سوم و اعمال محکومیت مجرم، در بیشتر موارد، جبران خسارت بزه‌دیده به شکل مطلوب انجام نمی‌شود. اگر چه برهه‌ای از خسارت‌ها از نظر ماهوی جبران‌ناپذیراند مانند آسیب‌های جسمانی منجر به ناتوانی یا معلولیت و آسیب‌های روانی و حیثیتی در این موارد نیز باید اقدام جدی و قانونمند برای حمایت از بزه‌دیده انجام داد. (زینالی، ۱۳۸۳: ۲۰۴)

اقدام قانون‌گذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب‌های روانی بر وی در مواد ۶۴۲ و ۶۴۵ ق. م. ا. قابل تقدیر است. در ماده ۶۴۲ عدم پرداخت نفقه زن توسط مرد را وصف کیفری بخشیده و در ماده ۶۴۵ نیز در جهت حفظ امنیت و آسایش زن و رفع عسر و حرج از وی در اثبات رابطه زوجیت، مردی را که بدون ثبت در دفاتر اسناد رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم کرده است، نکته قابل توجه در این ماده عدم مجازات زن است. اگرچه عقد ازدواج با قصد و رضای زوجین واقع می‌گردد؛ اما قانون‌گذار در این ماده صرفاً برای زوج که مبادرت به ازدواج بدون ثبت آن در دفاتر رسمی نموده است، مجازات قرار داده و این امر نشانگر توجه مقنن به جایگاه ضعیف اراده زن در تکوین زندگی زناشویی است. در خصوص استنکاف زوج از پرداخت نفقه نیز اگرچه به این الزام در ماده ۱۱۰۶ ق. م. اشاره شده است، اما اعطای وصف کیفری به عمل تارک انفاق در ماده ۶۴۲ ق. م. ا. موجب سرعت بخشیدن به احقاق حق زوجه در مطالبه نفقه حال است.

از مصادیق قابل ستایش دیگر عملکرد قانون‌گذار در توجه به جنسیت بزه‌دیده، تدوین ماده ۶۱۹ ق. م. ا. و اعطای وصف کیفری به توهین‌کنندگان و مزاحمان اطفال و زنان در انظار است. مطابق این ماده هرکس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید؛ به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. این ماده از چند جهت قابل توجه است. از یک طرف عمل مزاحمت در معابر و خیابان‌ها را که نسبت به مردان فاقد جنبه کیفری بود، نسبت به زن قابل مجازات دانسته است. ذکر عنوان «مزاحمت» بی‌هیچ قید و شرطی سبب می‌شود هر عملی که در نظر عرف موجب به زحمت انداختن دیگری شود در حیطه ماده ۶۱۹ ق. م. ا. قرار می‌گیرد و از سوی دیگر اهانت به زن در معابر و خیابان‌ها مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به توهین ساده دانسته شده است. مهم‌ترین نکته در ماده ۶۱۹ ق. م. ا. اعطای جنبه عمومی به عمل مرتکب و غیرقابل‌گذشت بودن جرم است. از نظر مقنن تعرض به اطفال و زنان در انظار عمومی آنچنان زشت است که حتی گذشت شاکی خصوصی نیز نمی‌تواند مجرم را از تعقیب و مجازات معاف سازد. البته عدم توجه به رابطه و قرابت بزهکار و بزه‌دیده در ماده ۶۱۹ ق. م. ا از نقایص این ماده است. (جوان مرد، ۱۳۹۰: ۷)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲-۳-۱- نقدهای وارده بر حقوق خشونت علیه زنان در ایران

در نقد گام‌های قانون‌گذار ایران از منع خشونت‌های روانی علیه تمامیت معنوی زنان در محیط خانواده، باید به ضعیف بودن این گام‌ها اعتراف نمود. از یک‌سو عدم توجه به سوءرفتار علیه زن در محیط خانواده که با محدود کردن حقوق اجتماعی زن از جمله حق اشتغال، تحصیل، فعالیت اجتماعی و حقوق انسانی وی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر بیان کلی بایدها و نبایدها از حقوق و تکالیف زوجین که تصوری غلط در ذهن عوام ایجاد می‌نماید، از نقایص کار قانون‌گذار است. از آنجا که قضات شریف نیز در عرف عام غوطه ورند این تصور دور از واقعیت گاه به عرف خاص قضات و رویه قضایی وارد می‌شود. به عنوان مثال حکم مندرج در ماده ۱۱۰۵ ق. م. و اعطای حق ریاست خانواده به شوهر، این تصور غلط را در اذهان ایجاد می‌کند که کلیه فعالیت‌های زن حتی دیدار وی با والدین باید با اجازه شوهر باشد. همچنین ماده ۱۱۱۷ ق. م. در خصوص حق شوهر بر منع زن از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن یا شوهر باشد به طور عام، بدینگونه که حق اشتغال زن منوط بر اجازه مرد می‌باشد، تفسیر شده است.

چنین برداشتی از مواد فوق ناشی از باور غلطی است که عرف از «خدای دوم بودن شوهر» دارد و حیطه این خدایی را صرفاً در حقوق زوج و نه تکالیف وی تفسیر موسع می‌نماید. (سادات اسدی، ۱۳۸۳: ۲۳۰)

به علاوه جرم همسرآزاری به طور مستقل در قوانین جزایی ایران پیش‌بینی نشده است البته طرح‌هایی برای تصویب این عنوان مجرمانه مستقل وجود دارد ولی در حال حاضر اعمالی که می‌تواند مصداق همسرآزاری قرار گیرد طبق قواعد عمومی جزایی مورد قضاوت قرار می‌گیرند.

با بررسی مقررات حقوق کیفری ایران درمی‌یابیم که قانون‌گذار درخصوص تعریف جرم، احراز آن و تعیین مجازات بین جنس مذکر و مونث تفکیکی نکرده است ولی هنگام اجرای مجازات به ویژه مجازات‌های شرعی تفکیک جنسیتی وجود دارد. در نقطه مقابل بزهکاری یعنی خشونت جنسیتی، مورد توجه ویژه‌ای بوده است به طوری که قانون‌گذار در جهت حمایت از خشونت، جنسیت را در نظر گرفته است. در واقع مقنن به طور عرضی از حقوق زنان حمایت بیشتری کرده است. البته در جهت عکس این سیاست هم احکام قانونی‌ای یافت می‌شود که عمدتاً مربوط به مجازات‌های شرعی هستند مثل تضعیف دیه در صورتی که مجنی‌علیه زن باشد[1](عدم برابری دیه زن و مرد)[2]یا نابرابری مرد و زن در اجرای مجازات قصاص به این ترتیب که اگر مجنی‌علیه زن باشد قاتل قصاص نمی‌شود مگر آنکه نصف دیه به او پرداخت شود. اگر از مجازات‌های شرعی صرف‌نظر کنیم من حیث المجموع در نظام حقوقی ما جنسیت در بزهکاری موثر نیست و توجه قانون‌گذار به حمایت از بزه‌دیده خشونت باتوجه به جنسیت او بوده است. به نظر تفاوت‌های فیزیولوژیک زنان و مردان نباید در عرصه حقوق مطرح شود چراکه منجر به تبعیض جنسیتی می‌شود.

۱- ماده ۲۵۸ق. م.ا

۲- ماده ۲۷۳ق. م. ا همچنین ر. ک. به رای وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۸۴/۱۰/۱۳ دیوان عالی کشور درخصوص میزان ارش زن مسلمان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٤. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خشونت علیه زنان در ابعاد خانگی (خانوادگی) و اجتماعی (عمومی) آن، چه در جوامع توسعه یافته و چه در جوامع درحال توسعه همواره به عنوان یک دغدغه و آسیب مطرح بوده که طیف آن از جامعه صنعتی تا جوامع عقب مانده براساس مولفه‌های فرهنگی و بومی متغیر می‌باشد. زنان در طول تاریخ و در بسیاری از نقاط جهان به دلیل درک نادرست از حقوق انسانی و دلایل دیگر، همواره مورد اجحاف قرار گرفته و برای سرکوب آنها یکی از نزدیکترین ابزار، اعمال خشونت بوده است. امروزه با وجود پیشرفت‌های صنعتی جوامع، رشد تمدن و فرهنگ آن‌ها و توسعه علم و تکنولوژی، هنوز پدیده خشونت خانوادگی یک معضل جهانی به شمار می‌آید. در عصر کنونی که جهان وارد هزاره جدید میلادی شده است، نه تنها خشونت از زندگی زنان رخت برنبسته است، بلکه گزارش‌های تکان دهنده از حوادث، آمار، اطلاعات و اخبار از گوشه و کنار جهان ارائه می‌شود که نشان از نقض حقوق بشر در مورد زنان دارند و از این حقیقت تلخ پرده برمی‌دارد که فقط اشکال و صور خشونت علیه زنان تغییر کرده است و ماهیت آن کماکان پابرجاست. گفتگو از خشونت و بررسی راهکارهای مبارزه با آن در یک جامعه سالم نباید با دوربین رقابت و تقابل بین زن و مرد انجام پذیرد، بلکه باید با اهداف سالم‌سازی فضای اخلاقی و بهبود وضعیت روانی خانواده‌ها و جامعه که جز با همسویی و هماهنگی زن و مرد ممکن نیست، مورد توجه واقع شود. خشونت، معضلی اخلاقی است که ریشه در تربیت و گاه رفتارهای متقابل انسان‌ها دارد؛ بنابراین حل آن منوط به اصلاح نگرش‌ها، عادات، عواطف و رفتارهای دو جنس است. نکته مهم دیگر بحث گذار از مرحله سنت‌گرایی به نوگرایی است. به نظر می‌رسد در مسیر گذار از سنت‌گرایی به نوگرایی توجه به سه مقوله اساسی است: یکی دریافت صحیح از سنت، ریشه‌ها، ارزش‌ها و کارکردهای آن، دیگری تعریف و تبیین شفاف از نوگرایی و نمودها و پیامدهای آن در جوامع مدرن و سوم بینش و تفکری که به تحلیل سنت و نوگرایی می‌نشیند و ارزش‌های آنها را برمی‌گزیند. در حقیقت میزان ارزش‌گذاری نسبت به سنت یا مدرنیسم وابسته به بینش حاکم بر زنان جامعه است. لذا باید تفکر و نوع نگاه به زنان را تغییر داد.

حامیان رویکرد برقراری عدالت کیفری، بعضاً دستیابی به حقوق قانونی و قضایی را تنها راهکار برای رسیدن به تغییرات اجتماعی به نفع گروه های سرکوب شده در جامعه (این مورد زنان خشونت دیده و یا زنان در معرض خشونت) خوانده‌اند. اما جرم انگاری خشونت، با وجود اهمیت بالایی که دارد، یگانه راه حل مقابله با این معضل نیست. چرا که دسترسی زنان به عدالت از طریق آگاهی بخشی ممکن می‌شود. مصوبات حقوقی هرگز نمی‌تواند به طور کامل با زیست روزمره تمامی اقشار یک جامعه مطابقت داشته باشد. اگر چه از قدرت نمادین قانون و تاثیر آن در فرهنگ سازی و ایجاد نرم‌های جدید اجتماعی نباید چشم پوشی کرد، جامعه مدنی نیز با آموزش و عمومی سازی موارد خشونت می‌تواند حول این مساله حساسیت ایجاد کند. همگام با تلاش برای تصویب قوانین جدید، فرهنگ مقابله با خشونت را فراگیر سازد و از طریق حساسیت زایی عمومی بر شیوه برخورد دستگاه قضایی با موضوع خشونت نیز تاثیر بگذارد و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اجرای قوانین موجود را الزام‌آور سازد. فعالیت های کارزار منع خشونت در این راستا اهمیت پیدا می کند. چرا که توجه خود را به گفتگوهای میدانی با طیف‌های زیادی از خشونت‌دیدگان معطوف ساخته و علاوه بر تصویب قانون جامع منع خشونت، با برگزاری کارگاه‌های مقابله با خشونت، انتشار مقاله و مصاحبه در این زمینه، انتشار و توزیع دفتر چه مقابله با خشونت خانگی و. . . هدف آموزش عمومی و درگیر کردن افکار عمومی را دنبال می کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آقابیگولی، عباس و آقاخانی، کامران (۱۳۸۶)، بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران در سال ۱۳۷۹، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.

ـ آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۶)، لایحه «امنیت زنان در برابر خشونت» یا اجرای هدف سند ۲۰۳۰، روزنامه کیهان، شماره ۲۱۸۰۱.

ـ ارنفسون، الویت (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.

ـ الهیان، زهره (۱۳۹۰)، مبانی حقوق زنان در جهان و ایران، تهران: خانه حقوق آریا.

ـ اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی؛ زنان کتک خورده: تهران: سالی.

ـ برکووتیز، لئونارد (۱۳۸۳)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: نشر اساطیر.

ـ پاغوش، مهسا (۱۳۹۲)، سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با خشونت علیه زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

ـ پیشوایی، فریده (۱۳۹۰)، درآمدی بر خشونت علیه زنان در خانواده، نامه جامعه، شماره ۸۳.

ـ تاوریس، کارول (۱۳۸۴)، روانشناسی خشم ترجمه احمد نقی پور و سعید درودی، تهران: روشنگران.

ـ جوان مرد، بهروز (۱۳۹۰)، خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه دیده، قضاوت، شماره ۶۹.

ـ دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.

ـ زینالی، حمزه (۱۳۸۳)، اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آن‌ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۳.

ـ سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۳) مهار خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق، کتاب زنان، شماره ۲۳.

ـ شکربیگی، عالیه؛ مستمع، رضا (۱۳۹۳)، فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان، جامعه شناسی ایران، شماره ۲.

ـ علی بابایی، غلامرضا (۱۳۹۰)، فرهنگ سیاسی آشوری، تهران: آشتیان.

ـ کریمی، یوسف (۱۳۸۶)، روانشناسی اجتماعی در تعلیم وتربیت، تهران: انتشارات پیام نور.

ـ کریمی، یوسف (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی (نظریه، مفاهیم و کاربردها)، تهران، نشر ارسباران.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]